

## مطالعه تحلیلی بازتاب مفاهیم حکمت هرمسی در گراورهای آلبرشت دورر

### چکیده:

آیین هرمسی و مفاهیم حکمی و الهی آن از کهن‌ترین دستاوردهای تاریخ بشریت است. با اینکه خاستگاه اولیه این متون مصر باستان است ولی در طول زمان بر ادیان مختلف، نظام فکری و جریان‌های بزرگ فرهنگی جوامع دیگر تأثیری ژرف نهاده است. با عصر نوزایی، تفکر هرمسی در اروپا دوباره شکوفا شد و با استقبال بی‌سابقه متفکران و به‌ویژه هنرمندان این عصر مواجه شد. در این میان، آلبرشت دورر از نقاشان مشهور شمال اروپا بواسطه قرار داشتن در این فضای فکری و آشنایی عمیق با علم کیمیاگری، حکمت هرمسی و علوم متعالی دیگر، بازتاب خاصی از این آموزه‌ها را در برخی آثار خود، بجای گذاشته است. از این منظر، هدف از این پژوهش آن است که، با روشی تحلیلی و تطبیقی و از طریق بررسی مفاهیم حکمت هرمسی و انطباق گزیده‌ای از آن‌ها با گراورهای آلبرشت دورر، خوانش متفاوت‌تری نسبت به موضوعات و معانی اولیه این آثار، بدست آورد؛ و به این پرسش پاسخ داد که چه ارتباط معنایی بین موضوعات گراورهای آلبرشت دورر و آموزه‌های حکمت هرمسی وجود دارد؟ در این جستار از کتاب هرمتیکا

نوع مقاله: پژوهشی  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷  
سپیده ملکی نیا  
کارشناسی ارشد نقاشی، دانشکده هنر  
نیشابور، نیشابور، ایران  
Email: Malekinia70@gmail.com  
حجت اله سعادت فر  
(نویسنده مسئول)، عضو هیات علمی  
دانشکده هنر، دانشگاه شهید چمران  
اهواز، اهواز، ایران  
Email: Paint.saadat@gmail.com  
DOI: شناسه دیجیتال  
10.22051/jtpva.2024.42389.1477

به‌عنوان مرجع تعلیم شاخص این حکمت استفاده شده است. گزیده‌ای از این آموزه‌های حکمی با عنوان تجسد انسان، مرگ و جاودانگی، تولد دوباره، منطقه البروج و دور زمان در انطباق با چهار گراور از آلبرشت دورر با عنوان شوالیه مرگ، آدم و حوا، ژروم قدیس در حال مطالعه و حمام مردانه، نشان داد، و رای موضوع اولیه اثر، هنرمند با استفاده از نمادهای تصویری و همچنین چینش ساختار عناصر بصری، به گونه‌ای ضمنی به معانی باطنی این حکمت کهن متناسب با موضوع به تصویر کشیده شده اشاره داشته است.

واژگان کلیدی: حکمت هرمسی، هرمتیکا، گراور، آلبرشت دورر

## مقدمه

آیین هرمسی و مفاهیم حکمی آن از قدمتی باستانی برخوردار است، از این روی در هر دینی نامی بر آن نهاده‌اند، زندگی هرمس<sup>۱</sup> با اسطوره‌ها و افسانه‌ها درهم تنیده است. او را بانی علوم و هنرها می‌دانند چهره هرمس به عنوان یک معلم بزرگ و افسانه‌ای در جهان باستان مورد احترام بوده و توسط بهترین ذهن‌های دوره رنسانس دوباره کشف شده است. تاریخ نشان می‌دهد که هر جا آثار هرمسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و شایع گشته، فروغ تمدن درخشیده است. این متون هم در اسلام، عرفان ایرانی و مسیحیت و هم در شکوفایی جریان نوزایی اروپا بطور چشمگیری موثر واقع شده است. نوشته‌های منسوب به وی، همچون یک کیسول زمان از فلسفه باطنی مصر و یونان تلقی شده است و بر بزرگانی از جمله بلیک<sup>۲</sup>، نیوتن<sup>۳</sup>، میلتن<sup>۴</sup>، شلی<sup>۵</sup>، شکسپیر<sup>۶</sup>، بوتیچلی<sup>۷</sup>، لئوناردو داوینچی و یونگ و... تأثیر گذاشته است. از اروپای قرون وسطی تا به امروز عقاید هرمسی به صورت تصویر و در قالب نمادهای متنوعی رواج پیدا کرده است و هنرمندان اروپا به ویژه نقاشان دوره رنسانس، این مضامین را با اساطیر و مضمون‌های دینی درآمیختند. نویسندگان و هنرمندانی که از متون هرمسی (هرمتیکا) وام گرفتند و به دین خود اذعان کرده‌اند بسیاریند که البته تا به امروز هم در جهان جدید، تأثیر آن مشهود است. در نتیجه، اهمیت این آموزه‌های حکمی کهن در خلق آثار هنری از جمله آثار و گراورهای آلبرشت دورر بسیار قابل تامل است. تأثیر این عقاید به گونه‌ای بوده است که بسیاری از هنرمندان سعی داشته‌اند این تعالیم را در آثار خود به گونه‌ای نمادین نمایش دهند. در واقع می‌توان گفت بسیاری از موضوعات مسیحی و اسطوره‌ای آثار شاخص تاریخ نقاشی پس از رنسانس چون گراورهای آلبرشت دورر، به صورت ضمنی با تعالیم و مضامین حکمت هرمسی هماهنگ هستند. این هم‌پوشانی ظریف، باعث ایجاد لایه‌های معنایی بیشتر شده و امکان خوانش‌های متفاوت تری نسبت به موضوعات اولیه و مشخص نقاشی‌ها (موضوعات مسیحی و اسطوره‌ای) فراهم می‌آورد. به طریقی که می‌توان با انطباق برخی از این آموزه‌های هرمسی، با محتوای آثار نقاشی، خوانشی هرمسی از این آثار ارائه داد. در اهمیت این پژوهش از این منظر می‌توان گفت که با چنین خوانشی، این آثار، صرفاً بازتاب موضوعات سفارش داده شده توسط پاترون‌ها نیستند و

می‌توان به گونه‌ای ظریف، حکمت‌های عرفانی و آموزه‌های انسانی و جهان شمول را هم در آن‌ها کشف کرد. در نتیجه با توجه به اهمیت واکاوی لایه‌های معنایی بیشتر، چنین مطالعه تطبیقی بین حکمت هرمسی و گراورهای آلبرشت دورر، زوایا و چشم اندازهای ویژه‌ای را درباره محتوا و لایه‌های پنهانی آثار عیان می‌کند که علاوه بر آن، آشنخو ریشه‌های فکری این آثار را به گونه‌ای تبارشناسانه با تحلیل آثار در پیوند قرار خواهد داد. در چنین بررسی تطبیقی، سعی می‌شود مفاهیم و آموزه‌های حکمت هرمسی که به هرمتیکا معروف است و به زبان ساده‌تر در دسترس هستند با موضوع و محتوای بصری گراورهای موردنظر، مقایسه و رمزگشایی شود. این رویکرد تطبیقی از دو منظر نمادپردازانه و تحلیل محتوای کلی موضوع نقاشی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد و هم‌پوشانی‌های ظریف معنایی را بین محتوای آثار و فلسفه هرمسی آشکار کند. در نتیجه مهم‌ترین سوال این پژوهش بدین گونه است:

۱- چه ارتباط معنایی بین موضوعات گراورهای آلبرشت دورر و آموزه‌ها و حکمت‌های هرمسی وجود دارد؟ در این پژوهش با عنوان کردن و شرح اصطلاحات مهم و کلیدی متون هرمسی که خلاصه‌ای از مفاهیم عمیق این نگرش می‌باشد، سعی بر خوانشی تازه با تکیه بر این عناوین و مفاهیم شده است. لازم به ذکر است که در تحلیل آثار، عناوین و اصطلاحات به کار رفته در خصوص متون هرمسی، مستقیماً با استناد به کتاب هرمتیکا (۱۳۹۵) به تحریر درآمده است.

## روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف بنیادی نظری و دارای ماهیت توصیفی-تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای، اسنادی و مشاهده است. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مشاهده، فیش برداری و ابزار پوش‌گری نوین می‌باشد. روش تجزیه اطلاعات بصورت تحلیلی و تطبیقی است. ضمناً این پژوهش برخوردار از چند سوییگی ارجاعی است و قائل به نظام مطالعاتی پسا ساختارگرایانه است و می‌کوشد تا به جای تحویل‌گرایی موضوعی که نوعاً در سنت مطالعات مدرسی وجود داشته است، به تأویل‌گرایی بپردازد و ریشه‌ها و چرایی‌های مستتر در باطن آثار را آشکار سازد. همچنین جامعه پژوهش مورد بررسی، نقاشی دوره رنسانس آلمان می‌باشد. روش انتخاب آثار

بصورت نمونه‌گیری هدفمند و حجم نمونه شامل چهار اثر از گراورهای آبرشت دورر می‌باشد.

### پیشینه پژوهش

درباره این پژوهش، کتاب و مقالات نسبتاً کمی وجود دارد، و بیشتر به صورت کلیات و یا اشاره به مواردی در این زمینه بیان شده است که البته همین مقدار راهگشا و اثبات کننده وجود چنین رابطه‌ای بین حکمت هرمسی و موضوعات نقاشی است. یکی از مهم‌ترین کتبی که به فارسی هم ترجمه شده، کتاب "هرمتیکا: حکمت مفقوده فرعونان" (۱۳۹۹) نوشته تیموتی و گندی است که علاوه بر بیان گزیده‌ای از حکمت هرمسی، به تأثیر آن بر نوزایی اروپا و مسیحیت اولیه پرداخته، در صفحه ۳۰ این کتاب بیان شده: با تزاید تعصب و جزمیت امپراطوری عرب، حاملان آثار هرمسی در پی مأمونی برای خویش بودند. در قرن پانزدهم بسیاری از ایشان به ایالت سراسر تسامح فلورانس در شمال ایتالیا گریختند و در اینجا این حکمت الهی بار دیگر سرچشمه الهامات جریان‌های بزرگ فرهنگی گشت. ... این فلسفه به نحوی ژرف بر بزرگانی نظیر لئوناردو داوینچی، میکلائنژ<sup>۸</sup>، بوتیچلی، رافائل و کسانی که به تصویرگری خدایان اهل شرک قیام کردند، نافذ افتاد. در ادامه این مبحث از تأثیر این فلسفه هرمسی بر تابلوی "ونوس و مریخ"<sup>۹</sup> بوتیچلی هم سخن گفته شده است که خود حاکی از وجود چنین نگرشی در آثار نقاشی است. کتابهای دیگری چون "هرمس و سنت هرمسی" (۱۳۸۶) نوشته حسین کلباسی و هم چنین کتاب "هرمس الهرامسه" (۱۳۹۸) نوشته ارول قلیچ هم به بررسی ریشه این تعلیمات، وجوه بیانی و تأثیرات آن بر جهان جدید پرداخته‌اند. مقالات متعددی هم به فارسی در زمینه تأثیر این فلسفه و حکمت آن بر ساختار عرفان اسلامی و هم چنین بر فیلسوفانی چون سهروردی و شاعران و عارفانی چون عطار، حافظ و حلاج و ... نوشته شده است. اهمیت این تأثیر بدان حد است که سهروردی اساس و بنیان حکمت خود را از آیین هرمسی می‌داند.

از مقالات لاتین که به تأثیرات آیین هرمسی بر رنسانس اروپا می‌پردازد می‌توان به مقاله نوافلاطونیان و هرمتیسم در رنسانس نوشته Gray (2009) و همچنین مقاله هرمتیسم رنسانس چگونه هرمتیسمی بود؟، نوشته Hane-graaff (2015) اشاره کرد که به تأثیرات و وجوه وام گرفته

شده از سنت هرمتیکی در جریان رنسانس اروپا اشاره دارد. اما بطور تخصصی‌تر درباره موضوع مورد پژوهش، می‌توان از کتاب‌هایی نام برد که رابطه هنر و تفکرات هرمتیکی را با نمونه‌های مشخص تری بیان می‌کنند، کتاب سنت هرمتیک: نمادها و آموزه‌هایی از هنر سلطنتی، نوشته EVO-la (1995) پژوهشی است که به بررسی نمادها و آموزه‌های کیمیاگری و تعلیم مرموز هنرمندان سلطنتی می‌پردازد. نویسندۀ این کتاب یکی از برجسته‌ترین نمایندگان سنت هرمتیکی در اروپا است که ایده‌های موجود در سنت هرمسی و استفاده از آن‌ها را در عمل با عبارات واضح و معنی‌دار فاش می‌کند. این پژوهش می‌تواند، رهیافت‌هایی کلی را برای ورود به مبحث مورد نظر ما فراهم کند. اما یکی از مهم‌ترین کتاب‌های موجود که در ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش حاضر است کتاب انجمن‌های سری و رمز هرمتیک: ماسونی و بیان باطنی در هنرها نوشته (2008) Frers است، بطور دقیق‌تر ارتباط این تعلیم هرمسی را با نمونه‌های موردی در هنر بیان می‌کند. وی توضیح می‌دهد که همه فرهنگ‌ها در معماری، هنر و موسیقی خود رمزها و دستورالعمل‌ها و دستورات آیین باطنی خود را رمزگذاری می‌کنند. او نشان می‌دهد که چگونه در دوران قرون وسطی و رنسانس، انتقاد شدید کلیسا از هر چیزی که ضد تعلیم خود بود، هنرمندان را مجبور می‌کرد تا منابع عرفانی را در تصاویر مذهبی یا صحنه‌هایی که به تصویر می‌کشند، پنهان کنند. فررس با بررسی آثار در زمینه‌های مختلفی چون گرایش‌های پنهانی موسیقی، معماری و ... رمز و رازهای موجود در آن‌ها را آشکار می‌کند. در زمینه نقاشی هم به آثار هنرمندانی چون دی کوزیمو، بوتیچلی، رامبراند و ... اشاره‌هایی شده است و رمزگانی را در این آثار عیان می‌کند. با این وجود در میان این پژوهش‌های نامبرده شده، تحقیقی که به‌طور تخصصی و تطبیقی، هم‌پوشانی تعلیم هرمسی را بطور دقیق با موضوعات و سوزده‌های نقاشی و بویژه آثار آبرشت دورر بیان کند، کمتر دیده شده است.

### نگرش هرمسی

تفکر هرمسی، دانشی سَری است که در آن وحدت هستی و شیوه تأثیر و تأثر بین اجزای آن با علوم دیگر، مانند علم کیمیا، علم نجوم و سایر علوم مربوط به کائنات به هم مرتبط می‌شوند. «هرمتیکا یا آثار هرمسی، مجموعه‌ای از نوشته‌های کهن منسوب به طاطا است، یک فرزانه مصری

(۴) منطقه البروج و تقدیر

(۵) عام و خاص

(۶) تجسد روح

(۷) مرگ و جاودانگی

(۸) تولد دوباره

(۹) آفرینش نوع انسان

(۱۰) تعالیم سَری

در این مقاله سعی بر آن شده که معانی هرمسی را در آثار چاپی برگزیده آلبرشت دورر جستجو کرد و با ارجاع دهی به اصطلاحات و تفاسیری که بر متون هرمسی صورت گرفته خوانشی تازه از این آثار ارائه داد.

#### عرفان هرمسی در آثار آلبرشت دورر

به نقل از آگوستین قدیس<sup>۱۲</sup> «آنچه که دین مسیحی نامیده می‌شود، در میان مردم روزگار باستان وجود داشت و از ابتدای آفرینش و آغاز تبار انسان هرگز به صورت ظاهر در نیامد مگر آنگاه که مسیح در جسم مادی قرار گرفت، لذا دین حقیقی الهی که پیش از این نیز وجود می‌داشت، اینک به نام مسیحیت آغاز گشت» (فرک، گندی، ۱۳۹۹: ۴۰). از آنجایی که آگوستین به عنوان یک متکلم مسیحی با آثار هرمسی به طور کامل آشنا بود، می‌توان پی برد که متون کتاب مقدس، با متون هرمسی به جای مانده تلفیق یافته است. این مقوله را می‌توان به وضوح در اصطلاحات و سمبل‌های به کار رفته در آیات انجیل دید (همان: ۳۹).

دورر مطالعات گسترده‌ای در زمینه‌های متفاوت داشت و با افراد ادیب و سرشناس معاشرت بسیار داشت. بنابراین یافتن نشانه‌های کیمیاگری و علوم متعالی در آثار او، چندان دور از انتظار نیست. این که در آثار دورر اشیاء و سمبل‌هایی بسیاری، مربوط به کیمیاگری یافت می‌شود بر هیچ محقق پویشیده نیست. تمام اجزای تصویر در آثار دورر به طور تقریبی از اهمیت یکسانی برخوردارند به همین علت برای اینکه آثار او را بتوانیم به درستی مورد مطالعه قرار دهیم، بایستی تمامی عناصر رمزی و اجزای گنجانده شده در آثار وی را بازبینی کنیم. دورر همانند اکثر هنرمندان زمان خود در آلمان، تحت تأثیر جنبش اصلاح دینی قرار گرفته بود. از آنجایی که در نهضت پروتستان، هر مسیحی حق دارد مضامین کتاب مقدس را به تشخیص خود درک و تعبیر کند، دورر نیز به عنوان نقاشی با عقاید پروتستان، نشانه‌های هرمسی را با نمادهای مرتبط با آیین مسیحی درهم آمیخت

و اسطوره‌ای قدیم که گفته‌اند حکمتش وی را به خدا مبدل ساخت.» (فرک، گندی، ۱۳۹۹: ۲۳). کشف دوباره این مفاهیم در دوره رنسانس تأثیری ژرف بر نظام فکری اندیشمندان آن داشت. در سال ۱۹۶۴، فرانسیس آیتس<sup>۱۰</sup> این تز را مطرح کرد که هرمتیک رنسانس، یا آنچه او «سنت هرمسی» نامید، عاملی حیاتی در توسعه علم مدرن بوده است. (Yates, 1967) در حالی که ایده آیتس از آن زمان تا حد زیادی رد شده است، اما نقش مهمی که علم "هرمتیک" و کیمیاگری در اندیشه شخصیت‌هایی چون اسحاق نیوتن، رابرت بویل<sup>۱۱</sup> و ... ایفا کرده، نشان داده شده است (Ebeling, 2007)

این نگرش، اعتقاد بر این دارد که در عین آن که جهان با مبدأ هستی وحدت و هماهنگی دارد، تحت تأثیر کواکب می‌باشد و سرنوشته هر فرد با نحوه استفاده از خرد او در برخورد با این تأثیرات تعیین می‌شود (Powell, 1991). «خدا، کیهان و انسان سه هستی اصلی می‌باشند که در متون هرمسی از آن‌ها سخن گفته شده است. کیهان تصویری از خدا، ولی انسان هم تصویری از کیهان و هم تصویری از خداست.» (امیری، ۱۳۹۱: ۹۶). این دو اصل گویای دوگانگی و ثنویت موجود در این علم است که بایستی به وحدت برسند. تنها آدمی است که دو سرشت دارد، یکی خاکی و جمادی و دیگری روحانی و الوهی. او جسمش فانی و روحش همیشه باقی است. روح انسان می‌تواند از آسمان‌ها فراتر رود و این امر می‌تواند به وسیله تعقل صورت پذیرد (همان: ۳۷).

به دست آوردن خلاصه‌ای از تعالیم و باورهای هرمسی کاری غیر ممکن است و نمی‌توان فراخی چنین حکمت کهن و ریشه‌ای را در چند صفحه بازگو کرد. اما در این حکمت سمبل‌هایی را می‌توان یافت که در زندگی واقعی انسان، قابل درک باشد، نویسندگان کتاب هرمتیکا در ترجمه متون هرمسی، با عنوان و طبقه‌بندی کردن برخی اصطلاحات مهم از این حکمت، بر ترجمه و تفسیری فصیح و عامیانه همت گماشتند تا علاقه‌مندان بتوانند به درک بهتری از این متون دست یابند. برخی از مهم‌ترین و پرتکرارترین عناوین این کتاب که در این پژوهش هم بیشتر به آن پرداخته شده از این دست هستند:

(۱) وجود آتوم (خالق)

(۲) دور زمان

(۳) آدمی یک اعجاز است

و بدین صورت به ابراز بیان و کشف درونیات انسانی خود پرداخت. شاید این آثار، دلیل بر ستایش او از نگرش هرمسی به عنوان جامع ترین و کهن ترین علم تاریخ بشر باشد. زیرا ترجمه متون هرمسی، بیشترین تأثیر را بر تولد انسان گرایی دوره رنسانس داشت (همان: ۳۱).

### شوالیه، مرگ و شیطان<sup>۱۳</sup>

این اثر یکی از آثار چاپی بسیار مهم دورر است. که مانند اغلب آثار چاپی او پر از نمادها و تمثیل های متفاوت است. در مرکز کادر شوالیه ای زره پوش و مسلح، سوار بر مرکبش، بدون توجه به اطراف یا سوژه ای خاص به جلو حرکت می کند. در سمت چپ شوالیه، مرگ، به شکل انسانی فرتوت داس به دست، سوار بر اسب، شوالیه را همراهی می کند و در سمت راستش شیطان، که با سر بز تصویر شده، نمایان است.



تصویر ۱- آلبرشت دورر، شوالیه مرگ و شیطان، ۱۵۱۳ م. (URL1)

وقتی که انسان در لباس شوالیه به سوی مرگ روانه می شود، با عزم راسخش از مرگی روحی سخن می گوید که روحش را در بر می گیرد و در نهایت موجبات دگردیسی و تکامل را فراهم می کند. این تکامل، تنها می تواند به وسیله نوشدن روح آدمی که همانا تولد دوباره می باشد، به سرانجام برسد. پس این اثر سه اصل از آموزه های هرمس را در بر می گیرد اول مرگ و جاودانگی، دوم زمان و سوم تولد دوباره. **مرگ و جاودانگی:** این عنوان مستقیماً از کتاب هرمتیکا

اخذ شده است. در آموزه های هرمسی مرگ و جاودانگی همواره در کنار هم خوانده می شوند. زیرا جسم انسان مأمّن همیشگی او نیست و این روح آدمی است که جاویدان باقی می ماند و نابودی می تواند فقط، بر جسم انسان رسوخ کند. بنابراین از منظر هرمسی مرگ به معنای انتقال به حیات دیگر است. در این اثر شوالیه ای سوار بر اسب نشان داده شده که در پشت سرش مردی با تاجی آکنده از مارها سوار بر مرکبش، دوشادوش شوالیه در حرکت است. ارتباط این اثر با این عنوان در این است که این مرد سمبلی از مرگ می باشد که همواره در پی انسان حرکت می کند و شوالیه نمودی از رهرویی است که خواهان تشرّف و کمال می باشد.

**دور زمان:** در این اثر عنصر زمان به شکل ساعت شنی می باشد که در دستان مرگ قرار دارد. زمان در متون هرمسی همواره با مفهوم تغییر و تداوم یاد می شود. این زمان است که می میراند و احیاء می کند. به همین دلیل است که در اثر دورر، سمبل مرگ در دستانش ساعتی دارد تا به شوالیه بنمایاند که اگر چه دوشادوش تو قدم می رانم اما فراموش نکن که زمان تو محدود است.

**تولد دوباره:** بدون تولد دوباره نمی توان روح را جاودانه و ابدی کرد. اما آیین هرمسی بر جاودانگی روح تأکید دارد و هر مرگ روحی، مستلزم تولدی نو می باشد تا روح را جاودانه کند. وجود برج و آبادی در پلان آخر تصویر نشانه دوری از اجتماع می باشد. مگر جز این نیست، انسانی که خود را از جماعت دور می گرداند، می تواند در خود بمیرد. اما مرگ شوالیه دورر همان مرگ عرفانی است. مرگی که برای برخاستن به انجام می رسد. پایانی است برای آغازی نو.

در اثر دورر با اینکه تصویر پر از نمادهای انسانی و حیوانی و غیره است اما نقاش این تصویر را در کادری عمودی جای داده است تا از جنبه روایی کمتری برخوردار باشد. به طور کلی این اثر یک مفهوم کلی را القا می کند و آن مفهوم کلی چیزی جز مرگ نیست. وجود شخصیت اسکلت مانند سمت چپ که تاجی آکنده از مارها دارد و مجموعه پایین اثر این مفهوم را تشدید می کند. مرگ، با ساعتی در دستانش، همانند شوالیه سوار بر مرکبش، دقیقاً هم راستا با وی، در پلان پشت سر سوژه نشان داده شده است. بدن اسب ها روی هم قرار گرفته اند و به گونه ای در هم ادغام شده و فقط سر اسب ها را به طور واضح می توان از هم تمایز داد. با این تفاوت که اسب مرگ، رنگ پریده تر و کم تحرک تر از اسب شوالیه است. سر اسب مرگ به سمت پایین کشیده شده و به نوعی



تصویر ۲- آبرشت دورر، آدم و حوا، ۱۵۰۴ م (URL2)

۱) **تجسد روح:** در کتاب هرمتیکا تجسد روح را اینگونه توصیف می‌کند که ارواح سرشتی یکسان دارند که نه مذکرند و نه مؤنث و روح آدمی، بخشی از روح کیهان به شمار می‌رود. «خداوند برای مراقبت از روح‌ها دو خادم دارد. حافظ، ارواح مراقب ارواح نامتجسم است و هادی ارواح آن را به هبوط در تجسد مادی وا می‌دارد. طبیعت، جسم منفردی پدید می‌آورد که نفس در آن متجسد می‌شود» (فرک، گندی، ۱۳۹۹: ۱۵۵). بنابراین هر جسم، منزلگاهی شایسته و بایسته برای روح هر انسان است که به طور ویژه با صورت جهانی هماهنگ است (همان). اثر آدم و حوا دورر به وضوح از تجسد روح سخن می‌گوید که به وسیله «للیت» به آدم و حوا ارزانی شده است. «للیت ۱۶» که گاه به شکل مار و گاه، انسانی مارنما به تصویر در می‌آید، نیاز به مرگ و تولد دوباره را به خاطر می‌آورد. او همان خدای زیر زمینی است (هال، ۱۳۹۰: ۹۳) و در غرب عیسوی گهگاه نمودی از شیطان می‌باشد. مار نزد هنرمندان رنسانس، خدای زمان و جاودانی و کیهان بود (همان، ۱۹۴: ۹۵). اوست که حوا را با میوه ممنوعه آشنا و او را شیفته خود می‌کند و جهانی دیگر را بر وی آشکار می‌سازد و آن‌ها را با جسمیت و نیمه دیگر حقیقت هستی آشنا می‌گرداند. لیلیت که همان موجود دو جنسیتی است، آدم و حوا را به تکامل و یافتن نیمه دیگر خود هدایت می‌کند و این حکم همان خدمتکار

در خود فرو رفته است و این حالت می‌تواند از رسوخ آرام مرگ سخن بگوید که به وسیله زمان که با نماد ساعت شنی تصویر شده است، کنترل می‌شود. پشت سر شوالیه شیطان (دیو) قرار دارد که می‌تواند نشانه گذشته تاریک شوالیه یا نیمه تاریک سوژه باشد. شوالیه، که همان انسان راهرویی که به ناچار مسیر تاریک خود را خاتمه می‌دهد و در تاریکی و قعر مطلق که همان مرگ است فرو می‌رود تا از نو متولد شود و به روشنگری برسد. در ساده‌ترین شکل ممکن مرگ و تولد دوباره در متون هرمسی به تناسخ ارتباط دارد، اما همراهی سگ در کنار شوالیه، به وفاداری و عزم راسخ وی برای رسیدن به هدف، که همانا می‌تواند رسیدن به سنگ فلسفی<sup>۱۴</sup> باشد، اشاره دارد. شوالیه دورر در این اثر همان انسان راهرویی است که با اعتماد و اطمینان به سوی مرگ پیش می‌رود.

#### آدم و حوا<sup>۱۵</sup>

این اثر اولین نمونه از استفاده نقاش از قانونی برای ایجاد تناسبات ایده‌آل در پیکر انسان است. به نظر می‌رسد، که این پیکرهای برهنه بر اساس نسخه‌های رومی مجسمه‌های یونانی حکاکی شده باشند. دورر در اینجا، صراحتاً داستانی از کتاب مقدس مسیحیان بیان می‌کند، اما آیا دورر در پس این حکایت مسیحی، به افسانه‌ای کهنه‌تر نیز معتقد بوده است یا خیر؟ آیا او به عنوان یک هنرمند پروتستانی، تنها یک تفسیر ساده کاتولیکی از کتاب مقدس برداشت می‌کند؟ دورر، که هنرمندی است با سابقه پژوهش و تفحص در علوم و حکمت متعالی، نمی‌تواند، تنها به تفسیر کلیسای افراطی رومی بسنده کرده باشد. همانگونه که حیوانات درون اثر نشانه‌ای از چهار طبع انسانی هستند. این اثر نقطه‌ای را به چالش می‌کشد که هستی را از نیستی جدا می‌کند. همانند حوا، که سیب را با نشانه آگاهی انسان، به آدم تعارف می‌کند. این اتفاق، مسبب جدایی عالم ناسوتی از عالم لاهوتی است. اما بحث برانگیزنده‌تر از این دو، نقش لیلیت در این نگرش است که موجب این حقیقت می‌باشد. در این اثر دو اصل از آموزه‌های هرمسی قابل تشخیص می‌باشد. نخست تجسد روح، دوم منطقه البروج و تقدیر و سوم آفرینش نوع انسان.

داده شده است، همانگونه که طالع بینی بر خلق و خوی فرد مؤثر می باشد (اکستاکستد، ۱۳۹۵: ۳۵۳).

**(۳) آفرینش نوع انسان:** در مبحث آفرینش نوع انسان در کتاب هرمتیکا، نقل شده که نخست آدمی سراپا ابدی و روحانی بود، اما آتوم (خدا)، او را در پوششی از ماده قرار داد و به او جسمی فانی بخشید که همواره روحی باقی را در خود حمل می کند. پس از آن، نخست طبیعت را می آفریند که مانند زن زیبایی است. این زن بذره‌های حیات ابدی را ایجاد می کند و با نظاره بر تصویر خداوند در روح انسانی به عشق او گرفتار و با محبوب خود هم آغوش می شود. اینگونه آتوم فانی و باقی را به زیبایی در هم آویخته است. سپس از انسان خواست که این عمل مقدس شیرین را پاس بدارند و چون رازی هیچگاه آشکارا انجام نگیرد. چون اینگونه قدرت الهی تجلی یافته در هر دو جنس فرو خواهد نشست (فرک، گندی، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۲۱).

در اثر دور، لیلیت که موجودی فرای جنسیت (خنثی) است، علاوه بر تجسد بخشیدن به آدمی، طبق متن بالا، آدم و حوا را به تناسل و آمیزش آگاه می سازد و جسم و نوع فیزیک انسان را به آدم یادآور می شود. در این اثر، این حالت از طریق تعارف کردن سیب از جانب لیلیت که نمادی از بخشیدن آگاهی از تمام جوانب انسانی خود به حوا می باشد تصویر شده است (طبق متون هرمسی زن پیش از تجسد مرد بر زمین تجسد یافته است). به محض دریافت سیب از جانب لیلیت، آدم و حوا بر فیزیک و جنسیت خود آگاه شده و کشش جنسی به هم را احساس می کنند. پوشاندن عورت آدم و حوا توسط برگ مو و برگ انجیر در اثر دور بر این متن هرمسی تاکید دارد که به فرمان خداوند این کشش به نوعی بایستی تنها در خفا صورت پذیرد. علاوه بر آن قرار گرفتن گوزن در بین آدم و حوا می توان دارای معنایی جنسی نیز باشد. زیرا گوزن در اساطیر یونان، نماد شور و شوق جنسی نیز می باشد. گوزنی که در پشت صحنه آدم و حوا، از سوی آدم، به عنوان موجودیت نر، به سوی حوا، موجودیت ماده در حرکت است (شوالیه، گبران، ۱۳۸۵: ۷۷۷) و این تصویر، همچون نشانه‌های دیگر می تواند بر اهمیت تناسل و تولد انسان صحه گذارد.

دور، نخستین منشأ نسل بشر را در حال رهنیدن دنیای لاهوتی، برای رسیدن به شناخت انسانی به تصویر درآورده است. همانگونه که خود در گیرودار فراگرفتن تناسبات

هادی را دارد که نفس را بر زمین متجسد می کند. در کتاب هرمتیکا بر این نکته اشاره دارد که تجسد روح انسان تحت تأثیر ستارگان (ارباب انواع) می باشد که هریک از این رب النوع‌ها، بر انواع متفاوت انسان ملازمت بیشتری دارند و بر سرشت فطری انسان اثر بیشتری می گذارند. اما انسان به هنگام تولد این سرشت را فراموش می کند و به هنگام نوجوانی به بعد در جوانب عقلانی و ذهنی هر فرد نمایان می شود. حیوانات در این اثر نشانه طبع و مزاج انسانی هستند. در تاریخ هنر اکستاکستد آمده که اثر مذکور با چهار طبع انسانی مرتبط است که پس از هبوط، موجب عدم توازن در رفتارهای انسانی شدند و این امر به وضوح می تواند تأثیرات عقاید هرمسی را بر دور اثبات کند. گوزن به نشانه صفرای سیاه (مالیخولیایی)، گاو به نشانه طبع بلغمی، خرگوش نمودی از طبع دموی (خونی) و گربه، به نشانه طبع صفرای زرد انسانی به تصویر درآمده است (اکستاکستد، ۱۳۹۵: ۳۵۲).

**(۲) منطقه البروج و تقدیر:** در متون هرمسی، همواره از تأثیرات ستارگان بر روحیات و مزاج انسانی تأکید شده است. ستارگان (خدایان) تحت حاکمیت آتوم (پروردگار) طبع‌های انسانی را ذیل سیطره خود قرار می دهند تا نظم جهان به دست آدمی بر هم نخورد. ستارگان بر سرنوشت هر انسان حکم می رانند. از بدو تولد انسان بر جهان، هر کدام از رب النوع‌ها هادی انسان بر جهان اصغر می باشند و عموماً از بین تأثیرات تمامی ایزدان، بسته به زمان و چرخش ستارگان، یک ایزد حاکم بر آن ستاره، بیشترین تأثیر را بر روحیات فرد تولد یافته می گذارد و اینگونه طالع هر فرد به صورت جداگانه رقم می خورد. طبق این روایات، همانطور که پیشتر ذکر شد، حیوانات درون اثر آدم و حوا را، که بر مزاج انسانی تأثیر گذارند، می توان به طالع هر انسان نسبت داد. وجود مار، خرگوش، گاو، موش، ببر (که به گربه وحشی نیز شباهت دارد) و بز که در سمت راست بالای اثر بر قله قد علم کرده را می توان به علامات سال‌ها در طالع بینی چینی شبیه دانست. به هر حال در متون هرمسی، این طالع هر فرد است که بر طبع انسان اثر می گذارد. طالعی که تحت فرمان ایزدان (ستارگان) آسمانی قرار دارد. در این بین گوزن شمالی که در بین آدم و حوا قرار دارد، می تواند نقش راهنمای ارواح یا همان خادم مراقب ارواح (حافظ) را داشته باشد (شوالیه، گبران، ۱۳۸۵: ۷۷۵). در متن تاریخ هنر اکستاکستد نیز هر حیوان، به خلق و خوی انسانی نسبت

این اثر ارتباط مستقیمی با متون هرمسی دارد، زیرا آیین هرمسی در آن زمان تنها متونی بودند که الوهیت، علم و کیمیا را با هم پیوند داده است.



تصویر ۳- آبرشت دورر، ژروم قدیس در حال مطالعه، ۱۵۱۴ م. (URL3)

۱) **تعالیم سرّی:** در متون هرمسی آمده که تعالیم سرّی، تعالیمی محرمانه هستند، تا تنها به وسیلهٔ آنانی خوانده شود که خالق شخصاً اراده فرموده باشد (فرک، گندی، ۱۳۹۹: ۲۰۱). از منظر این متون کهن «کلام به تنهایی نمی‌تواند حامل حقیقت باشد، ولی قدرت عقل الهی بسی حیرت انگیز است و زمانی که به لطف کلام برای تفکری سرتاسری در امور به جلوه درآید، می‌تواند طمأنینهٔ حقیقی پدید آورد.» (همان).

ژروم به عنوان سوژهٔ اصلی، در این اثر با قلم و کاغذ، در حال نوشتن خودنمایی می‌کند. این عمل بر اهمیت کلام تأکید می‌ورزد. کلام در علوم سرّی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کلام می‌تواند به درستی حامل معرفت الهی باشد و قدرت ازلی را به انسان بیاموزد. اگر چه در آیین مسیحیت نیز کلام را حائز اهمیت می‌دانند، اما مگر جز این نیست که کلام مسیحیت خود وام‌دار آیین هرمسی می‌باشد. به علاوه شیفتگی دورر به متون کهن بر هیچ محقق پوشیده نیست. از این رو دورر نسبت به نقاشان دیگر از نشانه‌های کیمیاگری بیشتری استفاده کرده است و این امر سرّی بودن قلم ژروم قدیس را بیشتر بیان می‌کند.

۲) **آدمی یک اعجاز است:** در این بخش به طوری کلی

پیکرهای انسانی و موجودات زمینی و اصول پرسپکتیو بود و احساس گرایی و اسطوره‌پردازی‌های قرون وسطی آلمانی را رها کرد و به مطالعه و ترسیم جهان طبیعی پرداخت. این امری است که پیش‌تر در نقاشی‌های شمال اروپا دیده نمی‌شد. این اثر گویای عشق و آمیزش پس از آن است. وقتی انسان بر زمین هبوط می‌کند، روح خود را با جسم خاکی خود هماهنگ کرده و با معرفت و مراقبه می‌تواند این ضدیت را وحدت بخشد. این وحدت تنها به ابعاد لاهوتی و ناسوتی ارتباط ندارد. این اثر از وحدت دوگانگی فیزیک انسان نیز سخن می‌گوید که موجب تولد و ادامه نوع بشر خواهد شد. البته که این امر در تمامی ادیان الهی نیز حائز اهمیت می‌باشد. در این اثر گویی لیلیت نخستین نسل بشریت را به عقد هم فرامی‌خواند. این عقد نه تنها به آمیزش فیزیکی اعتبار می‌بخشد بلکه نوع انسان را به عشق و وحدت فرامی‌خواند.

#### ژروم قدیس در حال مطالعه<sup>۱۷</sup>

از آنجا که آبرشت دورر، از نوایغ محقق تاریخ هنر است، طبیعی است که ژروم قدیس را به عنوان یکی از مهم‌ترین سوژه‌های آثار خود قرار دهد. ژروم قدیس از محققین و مترجمان کتاب مقدس است. شهرت وی بیشتر به دلیل تفسیر و ترجمه کتاب مقدس از زبان عبری به لاتین است. کتاب وی که ولگاته<sup>۱۸</sup> نام دارد، هنوز هم از منابع مهم متون مسیحی است. از آثاری که ژروم را در اتاق کارش نشان داده‌اند، پیداست که اغلب هنرمندان، وی را به نوعی دانشمند می‌دانستند. زیرا، ژروم قبل از گرایش به مسیحیت، در علوم دیگر به تحقیق و تفحص می‌پرداخت. اما آبرشت دورر، او را نه فقط یک دانشمند، بلکه وی را کیمیاگری بزرگ می‌پنداشت. این سوژه، بارها به دست نقاشان دیگری چون کاراواجو، بلینی، تیسین، کراناک و ... نیز به تصویر درآمده، اما دورر، که خود، هنرمندی بود که به تحقیق و پژوهش در بسیاری از زمینه‌ها می‌پرداخت، از این رو می‌توان علاقه و هم‌ذات‌پنداری نقاش را با قدیس مورد علاقهٔ پروتستانی‌ها حدس زد. دورر نیز می‌دانست که حکیم، به تمامی علوم زمانه خود آگاهی دارد و کیمیاگر کسی است که هم علوم باطنی می‌داند و هم علوم تجربی. به طور کلی ابزار آلات اطراف ژروم قدیس، همان ابزار مخصوص کیمیاگری است. از جمله: قیچی، بته‌های آزمایش، جمجمه، ساعت شنی، کدو غلیانی و ... . بنابراین کلیت

اهمیت عناصر اربعه باشد. عناصر اربعه شامل گردش فصول، چهار طبع انسانی، چهار جهت اصلی و ... می‌باشد. که این عناصر به صورت پراکنده در متون هرمسی یاد شده‌اند. این نشانه‌ها بر اهمیت آموزه‌های هرمسی به عنوان تعلیم سری تأکید دارد.

#### حمام مردانه<sup>۱۹</sup>

در این اثر نقاش به درستی مهارت خود را در به تصویر در آوردن بدن‌های مردانه در حالات مختلف نشان داده است. در منابع مختلف ذکر شده که اگر انسانی که در پلان سوم تصویر در سمت چپ قرار گرفته را حساب کنیم جمع پنج فیگور اطراف نوازندگان، می‌تواند نمودی از حواس پنج‌گانه باشد (Reynolds, Peter, Clayton: 2016).

به هر حال در آثار دورر بارها شاهد القای مفاهیم این چنینی بوده‌ایم. مفاهیمی که گویای عناصر و طبع‌های چندگانه در مخلوقات است مانند حواس پنجگانه، عناصر اربعه، طبع‌های انسانی و ... این درست همان نکته‌ای است که آثار دورر را از تعهد تمام و کمال به مسیحیت و متون عیسوی جدا می‌کند.



تصویر ۴- آبرشت دورر، حمام مردانه، ۱۴۹۶ م. (URL4)

توجه بیش از حد بر مخلوقات و به خصوص انسان، به عنوان پادشاه مخلوقات بر روی زمین از آموزه‌های پرتکرار متون هرمسی است و بی‌شک این همان مسئله‌ای است که نقاش

سخن از مقام پیام‌آوری انسان و دستیابی او به معرفت الهی است. در متون هرمسی انسان آفریده شد تا خالق به وسیله وی حکومت کند. اگر آدمی به درستی به این وظیفه بپردازد محملی برای استقرار نظم در کیهان خواهد شد. در این اثر دورر، ژروم را به عنوان نویسنده و مترجم کتاب‌های آیینی، به وسیله حکمتش، خود را به عنوان پیام‌آور خدا معرفی می‌کند، که به واسطه حکمتی که از نوشته‌هایش تراوش می‌کند، به استقرار نظم در کیهان کمک می‌کند.

۳. دور زمان: (در بخش‌های قبلی این نوشتار، توضیح مختصری در مورد عامل زمان ارائه شده است) همانطور که پیش‌تر در مورد سرشت زمان و قابلیت تغییر به سبب آن گفته شد، این نکته را نیز باید افزود که زمان با فرم دایره در ارتباط می‌باشد. بنابراین زمان، فقط به معنای محدودیت و حصار نیست بلکه گویای گردش و حرکتی تکرارشونده نیز می‌باشد. از این رو، در این اثر علاوه بر نماد ساعت شنی، به عنوان نمایش محدودیت و حصار دنیوی، نماد دایره به عنوان دور زمان به کار رفته است. کلاه لبه‌دار آویزان بالای سر ژروم گویای دایره‌ای است که کیهان و دور زمان را نشان می‌دهد (تصویر ۳). کیهان با زمان رابطه مستقیمی دارد. چرا که در روند زمان، زندگی در کیهان به نظم آمده و محفوظ می‌ماند. زمان همه اشیاء را در کیهان احیاء می‌کند و سپس می‌میراند. همانند لحظه تولد تا مرگ آدمی. کیهان بی‌تغییر است. زیرا حرکاتش مقید به قوانین تغییر ناپذیری است که موجب می‌شود بدون آغاز و بدون پایان در گردش باشد. همه چیز به سبب این تداوم، یگانه می‌گردد. زمان مانند یک دایره است جایی که همه نقطه‌ها چنان به هم پیوسته‌اند که نمی‌توانی بگویی کجا شروع می‌گردد و کجا پایان می‌گیرد (همان: ۱۰۲). حرکت دوار دایره را می‌توان در گردش فصول، تغییر رنگ آسمان، رشد گیاهان و ... احساس کرد. اگرچه این رویدادها در قالب زمان مدام در گردش و تغییرند اما زمان است که به آن‌ها، رخصت هستی را تانیستی می‌بخشد.

در این اثر سه شکل دایره، مثلث و مربع قابل رؤیت می‌باشد که این سه شکل با نمادهای هرمسی در ارتباط‌اند. دایره که پیش‌تر گفته شد به شکل کلاه در اثر آمده نشانه‌ای از کیهان و دور زمان است. مثلث که در گوشه پایین پنجره کنار میز ژروم به شکل سطحی چوبی تصویر شده است، به نشانه تثلیث مهم هرمسی، خدا، کیهان و انسان می‌باشد و مربع که در قالب میز تحریر ژروم دیده می‌شود، می‌تواند نمودی از

را به جنبش اومانیستی وقت خود نیز متصل می گرداند. بنابراین سه مسئله از آموزه های هرمسی در این اثر قابل رؤیت می باشد:

**(۱) تجسد روح:** این اثر نیز مانند اثر آدم و حوای دورر به معرفی و اهمیت جسمیت انسان می پردازد. وجود اندام های برهنه در حال لذت بردن از امورات دنیوی از خصوصیات دیگر تجسد روح انسانی است. انسانی که روح لاهوتی خود را با جسم ناسوتی خود پیوند داده و پا به این جهان نهاده تا علاوه بر استفاده از این نعمات، حکمت متعالی را فرا بگیرد و روح خود را به آتوم نزدیک تر کند.

**(۲) عام و خاص:** این بخش بر این امر تأکید دارد که چطور منطقه البروج به هر یک از آدمیان وجهه ای یکتا می بخشد. انسان به هنگام تولد دو خصوصیت عام و خاص دارد که صورت عام ثابت است و می تواند آن را با صور فلکی مقایسه کرد و صورت خاص متغیر است و می توان آن را با تغییر ارتباط میان ستارگان که در آسمان ها می چرخند مقایسه کرد. از این رو سرشت بنیادین انسانی ما در طی حیات باقی می ماند ولی تقدیر ازلی فردی ما به سبب موقعیت ستارگان در لحظه تولد ما خلق می گردد. این ایزدان یا رب النوع ها هستند که اجسام ما را تحت نظر دارند و به روح ما شکل می بخشند (همان: ۱۴۸).

پس با توجه به این سخنان، حواس پنجگانه، از جمله خصوصیات هستند که اکثریت انسان ها در بدو تولد تجربه و احساس می کنند. اما این اثر فقط به بدن و پوسته ظاهری جسم نپرداخته بلکه حواس انسان را به یاد انسان می آورد. و در این بین یادآور می شود که با اینکه هر انسان از نعماتی که خالق در اختیار گذارده به طور معمول استفاده می کند اما هر انسان بر حسب ذوق و طبع شخصی خود از این حواس بیشتر یا کمتر استفاده می کند. البته این نکته قابل توضیح بیشتر می باشد که در ادامه شرح داده می شود. با اینکه نقاش فیگورها را در حمام عمومی که در آن زمان رواج داشت گنجانده، اما اندکی این مجلس به مهمانی و عیاشی های دیونیزی نیز شباهت دارد. در رأس این مجلس نوازندگان قرار دارند و اطراف این نوازندگان بدن های در حال استحمام قرار گرفته که البته فیگور پلان سوم به عنوان یک رهگذر کنجکاو در حال دیدن، تصویر شده است. دورر در این اثر از چهره خود و دوستانش به عنوان مدل استفاده کرده است. شخص دورر همان فیگور سمت چپ تصویر می باشد که به تانکر آب تکیه داده، و از چهره خود که نقاش اثر می باشد

به عنوان نشانه ای از حس بینایی (بصری) یاد کرده است. شخص سمت راست دوست نزدیکش می باشد که در حال نوشیدن شراب می باشد و سمبلی از حس چشایی است. در پلان اول نیز دو فیگوری که یکی نیمرخ است و دیگری پشت به مخاطباند به عنوان دوتن از دوستان دورر شناسایی شده اند که فیگور سمت راست که گیاهی در دست دارد نمودی از حس بویایی و فیگور فرچه به دست سمت چپ نمودی از حس لامسه است. اگر چه به طور معمول انسان تمامی این حواس پنجگانه را در زندگی روزمره خود به کار می گیرد که مصداقی است از "صورت عام" در کتاب هرمیتیکا، اما همه این ها بر حسب ذوق انسان که البته تحت تأثیر ستارگان می باشد کم و بیش کیفیات متفاوت به خود می گیرند و این می تواند اشاره ای به "صورت خاص" هر انسان داشته باشد.

**(۳) منطقه البروج و تقدیر:** این بخش در مورد قدرت منطقه البروج است و شرح می دهد که چگونه اراده خداوند به وسیله مدیریت ستارگان و رب النوع ها (منطقه البروج) در سرنوشت و سرشت انسان ها اثر می گذارد. منطقه البروج در آیین هرمسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا بدون آن نظم کیهان برهم می خورد. در این آیین سرنوشت انسان ها با اراده پروردگار به خدایان و چرخش ستارگان سپرده شده و انسان در بند طالع خویش است. روح انسان با حلول در جسم مادی اش به وسیله این گردش آسمانی و سپس با گذر از مراحل به عناصر اولیه تجزیه می گردد. اما محدودی از آدمیان قابلیت گریز از ضرورت نافذ و محتوم منطقه البروج را دارند و این تنها به شرطی صورت می پذیرد که ذهن آدمی از انوار الهی منور گردد. زیرا حتی رب النوع ها نیز در برابر خداوند یکتا عاجزانند. این وظیفه انسانی است تا از جسم فانی خود فراتر رود و به لطف تأمل فراوان در وجود حق، نفس باقی خویش را برهاند.

دورر با به تصویر در آوردن اندام خود به عنوان ناظر، از خود به عنوان نقاش یاد می کند. چرا که هر نقاش با نبوغی چون آلبرشت دورر اینگونه می پندارد که از مهارت دیداری خود به خوبی بهره برده است. اما نقاشی با چنین مهارت، که تحقیق و پژوهش در علوم متعالی را امر لازم معنابخشی در آثارش می داند، به نقاشی نه فقط به عنوان حرفه یا فن، همانند نقاشان هم عصرش می نگرد، بلکه آن را تصویری از هستی و آموزه هایی برای زندگی خود می پندارد. این عقیده را می توان از طریق تصویر کردن اندام خصوصی

را نیز به وضوح نمایان کرده است. اثر «آدم و حوا» و «حمام مردانه» از آثاری می‌باشند که صراحتاً جسمیت و تنانگی را الگوریتمی برای شناخت هستی معرفی کرده و جسم انسان را به عنوان بستری برای روح محترم شمرده است.

علاوه بر آن دورر در اثر «ژروم قدیس» در حال مطالعه نیز بر قدرت و حکمت انسان به عنوان اشرف مخلوقات یاد می‌کند و کلام انسان را در برقراری نظم کائنات مهم جلوه می‌دهد. این اهمیت قدرت کلام است که موجب شده دورر، ژروم را با هاله نورانی اطراف سرش در حال نوشتن، به تصویر درآورد.

**مرگ و جاودانگی و تولد دوباره:** در آیین هرمسی، تولد انسان آغاز انگیزش روحی فرد نیست، فقط تجسد روح وی به عنوان فردی خاص است. مرگ انسان نیز نقل مکان روحی او به جایگاهی دیگر است و این امر با مداخله زمان صورت می‌پذیرد و چنان تکرار می‌شود که روح انسان با خدا یکی شود. چرا که روح انسان با مردن و تولد یافتن دوباره پالایش و با معبود وحدت می‌یابد.

در اثر «شوالیه، مرگ و شیطان» که با موضوع مرگ شناخته می‌شود، این مسئله بسط داده شده است. وجود اسکلت و مرگ که به شکل انسان فرتوت داس به دست کنار شوالیه ایستاده و اسب، مار و سگ که باهم نشانه‌ای از هکاته، الهه جهان زیرین یا جهان مردگان است با یاد مرگ در این اثر گنجانده شده است. اما شوالیه در حال گذر از مرگ است و هر گذر به مثابه انتقالی به دنیای دیگر می‌باشد که همانا از نو متولد شدن است. شوالیه، در این اثر همان انسانی است که در درون خود پیکار می‌کند، خود را می‌میراند تا با تولدی دوباره به معرفت ایزدی نزدیک‌تر شود.

**منطقه البروج و تقدیر:** در متون هرمسی بارها به تأثیرات منطقه البروج در سرنوشت انسان‌ها یاد شده است. هرمس این مسئله را موهبت آتوم برای مدیریت، نظم کیهان به واسطه خدایان و ستارگان می‌خواند. که با جسم فانی انسان ارتباط مستقیمی دارد. دورر در برخی از گراورهایش، نشانه‌هایی با این مضمون را به کار برده است. در اثر «آدم و حوا» و «حمام مردانه»، به ترتیب با اشاره بر طبع‌های انسانی و حواس پنج‌گانه این اصل انسانی را بر مخاطب آشکار می‌کند. لازم به ذکر است که چون این دو اثر، با موضوعیت تنانگی و جسمیت انسان در ارتباطند به طبع و حواس انسانی نیز اشاراتی شده و این مسئله این مهم را یادآور می‌شود که تجسد و تقدیر انسانی دو عنصر جدایی‌ناپذیرند

خود در پشت شیر تانکر آب برداشت کرد. اگر چه، تصویری هجوآمیز و فکاهی به نظر می‌رسد، اما می‌توان معنایی بس عمیق‌تر در آن جستجو کرد. به نظر می‌رسد که شیر آب جزوی از اندام اوست که گویی احساسات وی از آن تراوش می‌کند. با این تصویر، دورر خود را، از دوستانی که تنها تحت تأثیر سرنوشت و خصوصیات عام خود در حال استفاده از حواس پنجگانه به لذت دنیوی مشغول‌اند، جدا می‌کند. وی در اثرش، از شیر آب، به عنوان نشانه‌ای از غلیان احساسات نقاشانه‌اش که به واسطه حواس پنجگانه به دست آورده، بهره برده و به تصویر خود حال و هوایی متفاوت از عامه انسان‌ها بخشیده است. این تجلیل از روحیات نقاش را در خودنگاره‌های وی نیز می‌تواند مشاهده کرد. مانند خودنگاره ۱۵۰۰ که دورر به چهره خود، الوهیتی هم‌طراز با چهره‌های نگاشته شده از عیسی مسیح بخشیده است. و این امر می‌تواند اهمیت حکمت و مهارت را برای نقاش، بر مخاطب آشکار کند. بی‌تردید، دورر به عنوان نقاش و محقق علوم متعالی، نور حق را جستجو می‌کند.

## نتیجه

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد آیین هرمسی بر تثلیث خدا، کیهان و انسان استوار است. در این نگرش، خداوند به عنوان خالق یکتا و یگانه مطرح است و کیهان، تصویری از خدا و بستری است برای شناخت عظمت و حکمت او. در این میان انسان، که به عنوان پادشاه مخلوقات در این جهان حضور یافته، دارای جسم فانی و روح باقی است و اوست که می‌تواند از طریق کیهان، به معرفت الهی دست یابد. این تثلیث، گویای وحدت جهان اصغر با جهان اکبر می‌باشد. در این تجربه انسانی بر طبق آموزه‌های هرمسی که خداوند بر انسان حکم کرده، چند اصل وجود دارد:

**تجسد انسان و حکمرانی انسان بر جهان اصغر به وسیله انوار الهی:** در متون هرمسی، از تجسد انسان به عنوان امری بسیار مهم یاد شده و جسم انسان وسیله‌ای برای ارتقاء روح و در نهایت پیوستن به معبود تلقی می‌شود و همچنین این حق به انسان متعالی داده شده تا نماینده خداوند بر زمین باشند و نظم و هماهنگی را در کیهان نگه دارد. در دو اثر نام‌برده در این پژوهش، دورر به بدن و جسم فانی انسان اشاره کرده است و جسم انسانی را عنصری مهم در هستی معرفی می‌کند. وی با سابقه‌ای که در تحقیق و تفحص بر ترسیم اندام‌های برهنه دارد، اهمیت این مقوله

قدیس» به عنوان نشانه‌ای از محدودیت زمان استفاده شده و البته در اثر ژروم قدیس، نماد دایره که به شکل کلاه لبه دار بزرگ در بالای سر ژروم است، به عنوان نشانه‌ای برای دوار بودن و گردش زمان خودنمایی می‌کند.

البته لازم به ذکر است که در این اثر از سه شکل دایره، مثلث و مربع نیز به عنوان نشانه‌های هرمسی مورد استفاده قرار گرفته است که علاوه بر معنای دایره که ذکر شد مثلث نشانه‌ای از تثلیث هرمسی: خدا، کیهان، انسان و مربع نمودی است از عناصر اربعه.

و منطق البروج از بدو تولد انسان بر جهان در انسان رسوخ کرده است. این مطلب در آیین هرمسی همواره حائز اهمیت می‌باشد.

**دور زمان:** این اصطلاح مربوط به گردش و تغییر رویدادهای کیهان و انسان است و گاهی به معنای محدودیت موجودات فانی به کار می‌رود. تغییر زمان در کیهان را می‌توان در گردش فصول، رشد گیاهان، تاریک تا روشن شدن آسمان و... مشاهده کرد. این امر در انسان، رشد انسان از نوزادی تا مرگ را شامل می‌شود و... در گراورهای دورر از نماد ساعت شنی در اثر «شوالیه، مرگ و شیطان» و اثر «ژروم

#### پی‌نوشت

1. Mercurius ter Maximus
2. William Blake (1757-1827).
3. Isaac Newton (1643-1727).
4. John Milton (1608-1674).
5. Percy Bysshe Shelley (1792- 1822).
6. William Shakespeare ( 1564- 1616).
7. Sandro Botticelli (1445-1510).
8. Michelangelo ( 1475- 1564).
9. Venus and Mars
10. Frances Yates
11. Robert Boyle (1627 -1691).
12. Saint Augustinus (354 AD- 430 AD).
13. Knight, Death and the Devil

14. "سنگ فلسفی" یا "حجر الفلاسفه" عنصری کشف نشده در کیمیاگری است که مشتق شده از چهار عنصر اصلی آب، خاک، آتش، باد می‌باشد این واژگان با مفهوم نمادین تبدیل فلز (جیوه) به طلا به نوعی جوهر اصلی علم کیمیاگری است که مسیر انسان را به سوی الوهیت هدایت می‌کند.

15. Adam and Eva
16. Lilith
17. Saint Jerome in His Study
18. Vulgate
19. The Men's Bath

#### کتاب‌نامه

- ارول قلیچ، محمود (۱۳۹۹). *هرمس الهرامسه*، مترجم توفیق سبحانی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- اکستاکستد، مریلین (۱۳۹۵). *تاریخ هنر*، ترجمه بهراد امیر سلماسی و آناهیتا مقبلی، چاپ اول، تهران، انتشارات فخر اکیا.
- امیری، رضا (۱۳۹۱). *هرمس و حکمت هرمسی*، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، تهران.
- پاکباز، روئین (۱۳۹۳). *دایره المعارف هنر*. چاپ چهاردهم، تهران: فرهنگ معاصر.

- حسینی، مالک (۱۳۸۸). *حکمت چند رویکرد به یک مفهوم*، تهران، انتشارات هرمس.
- شوالیه، ژان (۱۳۸۲). *فرهنگ نمادها*، مترجم: سودابه فضایی و علیرضا سیداحمدیان، چاپ اول، تهران، جیحون.
- فرک، تیموتی و گندی، پیتر (۱۳۹۹). *هرمتیکا، حکمت مفقوده‌ی فرعونان: گزیده‌هایی از متون هرمسی*، ترجمه فریدالدین رادمهر، تهران: نشر مرکز.
- کلباسی، حسین (۱۳۸۶). *هرمس و سنت هرمسی*، تهران، نشر علم.
- هال، جیمز (۱۳۹۰). *فرهنگ نمادها در شرق و غرب*، مترجم: رقیه بهزادی، چاپ پنجم، تهران، فرهنگ معاصر.
- Frers, Ernesto (2008), *Secret Societies and the Hermetic Code: The Rosicrucian, Masonic, and Esoteric Transmission in the Arts*, Destiny Books
- Ebeling, Florian (2007). *The Secret History of Hermes Trismegistus: Hermeticism from Ancient to Modern Times. Translated by David Lorton. Ithaca: Cornell University Press*
- Evola, Julius (1995), *The Hermetic Tradition: Symbols and Teachings of the Royal Art*, Inner Traditions
- Powell, Robert A. (1991). *Christian Hermetic Astrology: The Star of the Magi and the Life of Christ. Hudson: Anthroposophic Press.*
- Reynolds, Anna, Peter, Lucy and Clayton, Martin (2016), *Portrait of the Artist*, Royal Collection Trust; Illustrated edition, London
- Yates, Frances A. (1967). *"The Hermetic Tradition in Renaissance Science"*. In Singleton, Charles S. (ed.). *Art, Science, and History in the Renaissance*. Baltimore: The Johns Hopkins Press. pp. 255–273.
- Hanegraaff, Wouter J (2015) *How Hermetic was Renaissance Hermetism?* University of Amsterdam, Published by Brill Academic Publishers, Online ISSN: 1570-0593
- Gray, Shawn (2009), *Neo-Platonism and Hermeticism in the Renaissance*, Published by Brill Academic Publishers

#### URLs:

- URL1. <https://lutheranreformation.org/history/albrecht-durers-knight-death-devil>
- URL2. <https://smarthistory.org/durer-adam-and-eve>
- URL3. <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/336229>
- URL4. <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/387563>

## Analytical Study of the Reflection of Hermetic Wisdom Concepts in Albrecht Dürer's Engravings

### Abstract:

The Hermetic religion, along with its religious and divine concepts, stands as one of the earliest accomplishments in human history. Although the texts primarily originated in ancient Egypt, their influence has extended to various religions, intellectual systems, and cultural currents in different societies over time. During the Renaissance, the resurgence of Hermetic thinking in Europe was met with exceptional reception, particularly among intellectuals and artists of the time. In this particular time frame, the renowned painter Albrecht Dürer from Northern Europe adeptly incorporated the teachings into his artistic works, leveraging his profound understanding of alchemy, Hermetic wisdom, and other transcendental sciences. This research aims to achieve an alternative interpretation of the primary themes and meanings of these works through the utilization of an analytical and comparative approach. It will examine the concepts of Hermetic wisdom and correlate them with selected engravings by Albrecht Dürer. Moreover, it answers the question: what is the semantic connection between the subjects of Albrecht Dürer's engravings and the teachings of Hermetic wisdom? The teachings of this wisdom are referenced in this report through the book of *Hermetica*. This text discusses a collection of teachings that cover topics such as human incarnation, death, immortality, rebirth, the zodiacal region, and the circle of time. The teachings are accompanied by four engravings by Albrecht Dürer titled "Knight of Death," "Adam and Eve," "St. Jerome in His Study," and "Men's Bath." The artist has used visual symbols and arranged the structure of the visual elements to implicitly refer to the esoteric meanings of this ancient wisdom, in addition to the work's primary theme. The *Hermetica* book contains the translation of the Hermetic texts, along with the title and classification of some crucial terms of this ancient wisdom. The translators worked hard to provide an eloquent and straightforward interpretation of the texts, making it easier for readers to understand them. The following titles, which are highly significant and extensively explored in this research, consist of:

Existence of atom (creator)  
 Circle of time  
 Man is a miracle  
 Zodiac region and destiny  
 General and specific

### Document Type:

Original/Research/Regular Article

**Receive Date:** 25 December 2022

**Accept Date:** 28 December 2023

### Sepideh Malekinia

Master of painting, Faculty of Arts, Neyshabur University, Neyshabur, Iran.

**Email:** malekinia70@gmail.com

### Hojatallah saadatfar

(Corresponding Author), Assistant Professor, Art Faculty, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

**Email:** paint.saadat@gmail.com

### DOI:

10.22051/jtpva.2024.42389.1477



Incarnation of the soul  
 Death and immortality  
 Rebirth  
 Creation of humankind  
 Secret teachings

This article endeavors to explore Hermetic symbolism in Albrecht Dürer's chosen printed works and, by referencing the terminology and interpretations derived from Hermetic texts, offers a fresh interpretation of these artworks. As previously mentioned, the Hermetic religion centers around the trinity of God, the universe, and humankind. In this perspective, God is regarded as the sole creator; the universe is perceived as a reflection of God's essence, serving as a means to comprehend his magnificence and wisdom. In the context of human existence, there are multiple principles that God has prescribed for humanity, as elucidated by the teachings of Hermetism.

**The incarnation of man and the rule of man over the lower world through divine luminosity:** In Hermetic texts, the human incarnation is considered essential, and the human body is seen as a means to elevate the soul and ultimately unite with the divine. In the two works referenced in this research, Dürer discusses the human body and the mortal body, highlighting the human body as a crucial component. The works "Adam and Eve" and "Men's Bath" are among the pieces that explicitly utilize physicality and tension as a means of comprehending existence and honoring the human body as a vessel for the soul. Additionally, within his study of St. Jerome, Dürer explores the idea of man's power and wisdom, emphasizing the importance of human speech in establishing the order of the universe. Dürer's depiction of Jerome's writing is imbued with a halo of light, highlighting the significance of the power of words.

**Death, Immortality, and Rebirth:** In the Hermetic religion, a person's birth is not considered the beginning of their spiritual motivation. Similarly, death is regarded as the transfer of one's spirit to another realm. This transfer occurs with time intervention and is repeated in a cycle. The ultimate objective of this cycle is for the human soul to become one with God through purification and rebirth. The work "Knight, Death, and Satan" incorporates the presence of death, portrayed as a man holding a scythe, alongside symbols such as a horse, snake, and dog, which collectively represent Hekate, the deity associated with the underworld and the deceased. Nevertheless, the knight undergoes the passage of death, and each passage serves as a transition to a different realm, symbolizing a rebirth that brings one closer to attaining divine wisdom through a fresh beginning.

**Zodiac region and destiny:** The texts on Hermetism have consistently discussed the impact of the Zodiac region on human destiny. According to Hermes, this problem is referred to as Atom's gift, as it pertains to the management of the universe's order through the gods and stars and has a direct correlation with the mortal human body. Dürer has employed symbols with this motif in certain of his engravings. In "Adam and Eve" and "Men's Bath," he reveals this human principle to the audience by referring to human nature and the five senses, respectively. It should be mentioned that since these two works are related to the theme of human tension and physicality, references are also made to human nature and senses, and this issue reminds us of the importance that incarnation and human destiny are two inseparable elements and logic Zodiac has permeated the world in man since the birth of man. This matter is always essential in Hermes's religion.

**The cycle of time:** This term refers to the circulation and alteration of events in the universe and their relation to human beings. At times, it is also used to denote the limitation of mortal beings. The changes in time within the universe can be observed through various phenomena such as the rotation of seasons, the growth of plants, the transition from darkness to light in the sky, and other similar occurrences. In the case of humans, this encompasses the process of human development from birth to mortality, among other aspects. In Dürer's engravings, the hourglass symbol is used in "Knight, Death, and Satan" and "Saint Jerome" to represent the limited nature of time. In St. Jerome, the circle symbol, portrayed as a large-brimmed hat atop Jerome's head, signifies time's cyclical and continuous nature. It's worth noting that in this work, the circle, triangle, and square are used as Hermetic signs. Besides the circle's meaning mentioned earlier, the triangle represents the Hermetic trinity of God, the universe, and man, while the square is a manifestation of the four elements (water, soil, fire, and wind).

**Keywords:** Hermetic wisdom, Hermetica, Engraving, Albrecht Dürer

#### References:

- Amiri, A. (2012). *Hermes and Hermetic Philosophy*. Tehran: Mofid University.
- Chevalier, J., Gheerbrant, A. (2006). *Dictionnaire Des Symboles*. (Translated by S. Fazaeli). Tehran: Jaihoon
- Ebeling, F. (2007). *The Secret History of Hermes Trismegistus: Hermeticism from Ancient to Modern Times*. (Translated by

- David Lorton). Ithaca: Cornell University Press.
- Evola, J. (1995). *The Hermetic Tradition: Symbols And Teachings of the Royal Art*. Rochester, VT: Inner Traditions.
- Freke, T., Gandy, P. (2020). *The Hermetica: The lost Wisdom of the Pharaohs*. (Translated by F. Radmehr). Tehran: Markaz.
- Frers, E. (2008). *Secret Societies and the Hermetic Code: The Rosicrucian, Masonic, And Esoteric Transmission in the Arts*. Rochester, VT: Destiny Books.
- Gray, S. (2009). *Neo-Platonism in the Renaissance*. Published by Brill Academic Publishers.
- Hall, J. (2010). *Illustrated Dictionary of Symbols in Eastern and Western Art*. (Translated by R. Behzadi). Tehran: Farhang Moaser.
- Hall, M. P. (2003). *The Secret Teachings of All Ages: An Encyclopedic Outline of Masonic, Hermetic, Qabbalistic, And Rosicrucian Symbolical Philosophy*. New York, NY: Jeremy P. Tarcher/Penguin.
- Hanegraaff, W. (2015). How Hermetic was Renaissance Hermetism? In *Hermeticism*. Leiden, Netherlands: Brill Academic Publishers.
- Hoseini, M. (2009). *Wisdom: Several Approaches to the Same Concept*. Tehran: Hermes.
- Kalbasi, H. (2007). *Hermes and the Hermetic Tradition*. Tehran: Elm.
- Kilic, M. (2020). *Hermesler Hermes* (Translated by T. Sobhani). Tehran: Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries.
- Pakbaz, R. (2016). *Encyclopedia of Art*. Tehran: Farhang Moaser.
- Powell, R. A. (1991). *Christian Hermetic Astrology: The Star of the Magi and the Life of Christ*. Hudson, NY: Anthroposophic Press.
- Reynolds, A., Peter, L., & Clayton, M. (2016). *Portrait of the Artist*. London, England: Royal Collection Trust.
- Shores, T. W. (2013). *High Renaissance Hermetic Imagery*. Published by Brill Academic Publishers.
- Stokstad, M. (2016). *Art History*. (Translated by B. Amin Salmasi & A. Moghbeli). Tehran: Fakhrakia.
- Szönyi, G. (2015). *The Hermetic Revival in Renaissance Italy*. London–New York: Routledge. (Published by Brill Academic Publishers).
- The Three Initiates. (2006). *The Kybalion: A Study of the Hermetic Philosophy of Ancient Egypt and Greece*. New York, NY: Cosimo Classics.
- Yates, F. A. (1967). The Hermetic Tradition in Renaissance Science. In C. S. Singleton (Ed.), *Art, Science, and History in the Renaissance* (pp. 255–273). Baltimore, MD: The Johns Hopkins Press.

#### URL:

- URL1. <https://lutheranreformation.org/history/albrecht-durers-knight-death-devil>
- URL2. <https://smarthistory.org/durer-adam-and-eve>
- URL3. <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/336229>
- URL4. <https://www.metmuseum.org/art/collection/search/387563>